

«رازی و ساخت بیمارستان»

آموختنی‌ها

- ۱ بهره‌گیری از نیروی عقل و اندیشه در زندگی
- ۲ ساخت ترکیب جدید با پسوند «گر» و «کار»
- ۳ آشنایی با دانشمند بزرگ ایرانی (محمد بن زکریای رازی)
- ۴ آشنایی با شاعر بزرگ ایران (فردوسی) و نویسنده‌ی کودک و نوجوانان (محمد میرکیایی)
- ۵ توانایی استفاده از دو کلمه‌ی «مخالف» در یک جمله
- ۶ آشنایی با مفعول و راه تشخیص آن



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

- بدو: مخفف، به او
 هوس: آسایش و میل
 برنا: جوان
 گرمابه: حمام
 ازیرا: زیرا که، به دلیل آنکه
 کهن: گذشته، قدیمی
 خرد: دانا، بی
 طیب: پزشک
 رهنمای: راهنما
 سرا: خانه

کلمات متضاد

- نزدیک ≠ دور
 خوشحال ≠ ناراحت

کلمات هم خانواده

- طیب، طبیب، مطب

- بر فراز: بالای
 کزین: مخفف که از این
 زرگر: طلا ساز
 هوشیاری: از روی عقل
 دلگشایی: آنچه باعث آرامش دل می‌شود
 گرای: معادل نشو، برو
 بلند آوازه: مشهور
 فراخوانند: صدازد
 گزند: ز
 ناچار: ناگزیر

- برنا ≠ بیرون
 نادان ≠ دانا
 بیمار ≠ سالم
 حاضر ≠ غایب

- شرط، شرایط، مشروط
 فاسد، فساد

شاید



دانشمندان، افرادی هستند که مثل ما زندگی می‌کنند و مثل ما نفس می‌کشند و ... اما آن‌ها یک فرق با ما دارند و آن اینکه در هر موضوع و حادثه‌ای فکر کرده و می‌اندیشند که چرا آن اتفاق رخ داده؟ برای حل مسئله یا مشکل چه باید کرد؟ آن‌ها از قدرت عقل و اندیشه استفاده بسیاری می‌کنند و بالاخره راه‌حلی را پیدا می‌کنند که هیچ‌کس به آن فکر نکرده است، حتی راه‌حل‌هایی بسیار ساده، که پس از ارائه آن ما با خود می‌اندیشیم: چه راحت!

یکی از دانشمندان بلند آوازه ایرانی **محمد بن زکریا رازی** بود که با کشف الکل خدمت بزرگی به جامعه پزشکی کرد. او در بغداد به تحصیل علم پرداخت و سپس به ری بازگشت و ریاست بیمارستان آن شهر را به عهده گرفت.

بخوان و بدان



اسم + گَر ← به جا آورنده‌ی کاری

اسم + گار ←

کاربرد پسوند «گر»

درنا: راستی برنا، شغل همسایه‌ی جدید چیست؟

برنا: او با آهن کار می‌کند.

درنا: یعنی چه؟

برنا: با آهن در و پنجره می‌سازد و ...

درنا: پس او «آهنگر» است!

★ پسوند «گر» در آخر بعضی از کلمه‌ها، برای بیان یک شغل به کار می‌رود.

مثال: مسگر یعنی کسی که ظروف مسی را سفید می‌کند. (کسی که با مس کار می‌کند).

آهنگر یعنی کسی که با آهن کار می‌کند.

کاربرد پسوند «گار»

★ پسوند «گار» به معنی به‌جا آورنده، است.

مثال: روزگار به معنی دوره‌ای از زمان است.

آموزگار به معنی کسی که آموزش می‌دهد یا وظیفه‌ی آموزش را به جا می‌آورد.

پروردگار به معنی پرورش دهنده کسی که پرورش می‌دهد.

کلماتی را که در هر درس از نظر شما ارزش املائی دارند را روی کارت بنویس و هر روز مرور کن تا املائی درست آن‌ها را به خاطر بسپاری. می‌توانی در صورت امکان به بررسی کلمه‌های سایر دوستانت پرداز تا به آموخته‌های شما افزوده شود. با توجه به متن درس سوم فعالیت‌های زیر را انجام بده. الف: چهار کلمه که اصلاً نقطه ندارند را بنویس.

کلام مسند هوس سالم



ب: با نشانه‌های به هم ریخته، کلمه‌های مناسب بنویس.



ملاصه

معلوم

طبیب

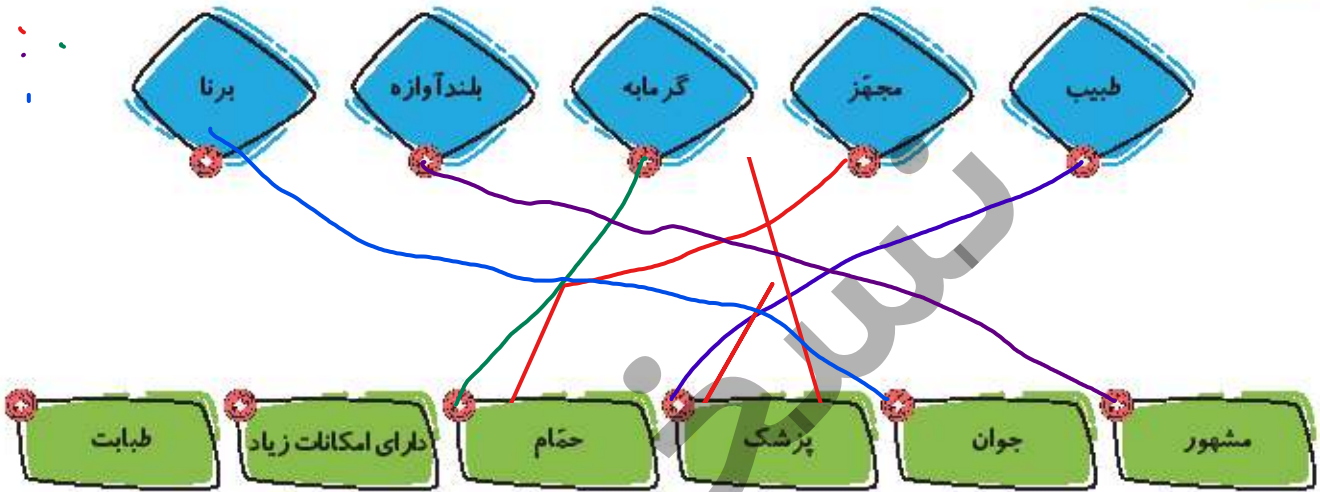
پ: با توجه به متن درس، جدول زیر را کامل کن. (با حروف داده شده از متن درس کلمه پیدا کن)

بعضی	جمع	تعب	ع
فقط	نقطه	فرشی	ق
فقط	نقطه	ا	ط
نزد وی	بزرگان رازی	روزگار زکریای	ز



تمرین

۱ کلمات مترادف را به یکدیگر وصل کن. (یک کلمه اضافی است.)



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: بهره‌گیری از دانایی و هوشیاری موفقیت ما را تضمین می‌کند.

ب: محمدبن زکریا، یعنی محمد پدر زکریا

پ: منظور شاعر در بیت سوم: «به وسیله‌ی دانش می‌توانی به قلعه‌های موفقیت برسی و نام تو پر آوازه خواهد شد.»

ت: پیر و برنا، دو کلمه‌ی متضاد هستند.

۳ با توجه به جمله‌های مشخص شده، در جای خالی عبارت یا کلمه‌ی مناسب بنویس.
 پیر مرد مهربان هر صبح کوچه و خیابان را تمییز می‌کرد. سعید گفت: او یک طرازی است. هر روز که پدرم به مغازه می‌رود تا زرگری طلاسازی کند، با او به گرمی سلام و احوال‌پرسی می‌کند.

۴ برای هر جمله، فعل مناسب را انتخاب کن و بنویس.

الف: بهتر است بیمارستان، نزدیک شهر بشد (باشد- است)

ب: هر کس، مکانی را پیشنهاد می‌کند کرد (می‌شد- می‌کرد)

پ: بزرگان شهر با تعجب به هم نگاه کردند (کردند- می‌کرد)

ت: محمدبن زکریای رازی، پزشک بلندآوازه‌ی ایران بود (بود- باشد)

۵ با دقت بخوان و در جای خالی پاسخ را بنویس.

علی بن جعفر یعنی: علی پسر جعفر

حسین بن علی یعنی: حسین پسر علی

محمد پسر حسن می‌شود: محمد بن حسن

باقر پسر محمد می‌شود: باقر بن محمد

۶ واژه‌های جدیدی با «گار» بساز و جدول را کامل کن.

آموز	+	آموزگار
پیورده	+	پیورده‌گار
آفریده	+	آفریده‌گار
روز	+	روزگار

۷ با توجه به نکته‌ی داده شده، به سوالات پاسخ بده.

نکته

مفعول کلمه‌ای است که کاری بر آن واقع شده است. نشانه‌ی مفعول (را) است اما این نشانه همیشه همراه مفعول نیست. گاهی جمله بدون نشانه مفعولی «را» می‌آید، که با معنی کردن جمله می‌توان مفعول واقعی را تشخیص داد. مثال: کتاب را خریدم.

راه تشخیص مفعول: (چه چیز را) یا (چه کسی را) + فعل جمله + ؟

مهدی کتاب خرید. چه چیزی را خرید؟ کتاب را (کتاب: مفعول)

الف: فاعل و مفعول جملات زیر را در جدول بنویس.

مفعول	فاعل	جمله
بزرگان شهر	طیب	چه کسی رازد خود فراخواند.
کارهای خوبی	ما	چه چیزی را انجام دهم.

۱) طیب بزرگان شهر رازد خود فراخواند.

۲) تلاش می‌کنیم کارهای خوبی انجام دهیم.

ب: جمله‌ای بنویس که کلمه‌ی «دانشمند» در آن نقش «مفعولی» نداشته باشد.

دانشمند با تعجب به نتیجه‌ی آزمایش خیره شد.

۸ شعر «خرد رهنمای و خرد دلگشای» را از حفظ بخوان و بیت‌های زیر را کامل کن.

به نام خداوند جان و خرد	کزین برتر اندیشه
خرد رهنمای و خرد دلگشای	خرد دست گیرد بر هر دو سرای
به دانش گرای و بدوش تو بلند	چو خواهی که از بد نیایی لرزد
زادان بنالد دل سنگ رکه	ازیرا ندارد بر کس شکوه
توانا بود هر که دانا بود	ز دانش دل پر بر ما بود



حالا با توجه به شعر «خرد رهنمای و خرد دلگشای» به سؤالات زیر پاسخ بده.

الف در بیت دوم و چهارم شعر، کلماتی که آهنگ یکسان دارند را بنویس.
دلگشای و سسری
کوه و شلوه

ب: در بیت چهارم چرا همه از دست «نادان» می‌نالند؟
زیرا کارهای نادان لزومی بی‌خردی است و بقیه خودش را به درد سری اندازد.

۹ مانند نمونه جدول را کامل کن.

مس	+	گر	←	مسگر	کسی که ظروف مسی را بشید می‌کند.
آهن	+	سگر	←	آهنسگر	کسی که با آهن وساخت و سایر فلزی کار دارد.
کار	+	گر	←	کارگر	کسی که کاری کند.

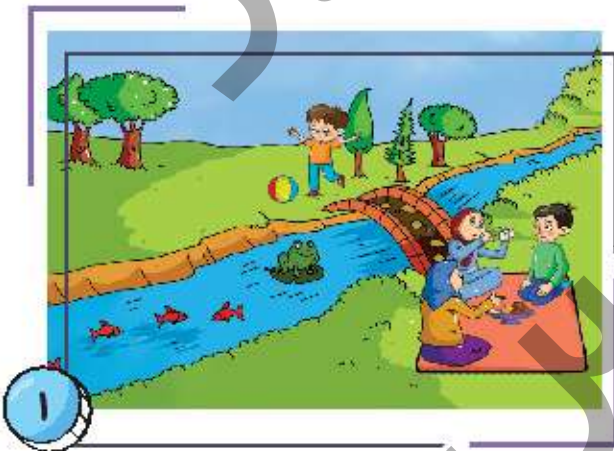
حالا با دو واژه جدیدی که ساختی، یک جمله بنویس.

جمله
کارگر ساده با کار در کنار استاد خود به آهنگری ماهر تبدیل شد.

۱۰ یکی از موضوعها را انتخاب کن و درباره‌ی آن خاطره‌ای بنویس.

تذکره: در نوشتن خاطره به زمان و مکان شخصیت توجه کن.

موضوع:



۱



۲



پیتیشن نویسی



با توجه به سؤالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را مشخص کن.

الف: با توجه به متن درس، برای جای خالی کلمه‌ی مناسب را انتخاب کن.

هر کس، را پیشنهاد می‌کرد.

(۱) زمانی (۲) مکانی (۳) شهر (۴) بیمارستان

ب: در کدام گزینه املا‌ی صحیح کلمات نوشته نشده است؟

(۱) بلندآوازه، میهن عزیز، موفق

(۲) فراخاند، حرس خوردن، خوشکیده

پ: کدام گزینه درست نیست؟

(۱) زرگر، رفتگر، تماشگر

(۲) مسگر، روزگار، کارگر

ت: منظور شاعر از بلند شدن به وسیله‌ی دانش، در بیت زیر چیست؟

«به دانش گرای و بدو شو بلند / چو خواهی که از بد نیابی گزند»

(۱) از جا برخاستن (۲) بیدار شدن (۳) ثروتمند شدن (۴) ارج و ارزش یافتن

خوانش و پردازش

۱۲ متن را بخوان و به سؤالات پاسخ بده:

پسر بچه هر روز با شور و هیجان خاصی در پارک می‌دوید و ورزش می‌کرد. تا اینکه روز مسابقه‌ی «دو» فرا رسید. از بین جمعیت شرکت کننده فقط این پسر بچه قهرمان شد. رو خوب پیروزی، طعم شیرینی دارد.

الف: ضرب‌المثل مربوط به داستان را بنویس.

نابرده رنج، گنج میسر می‌شود.

ب: چرا پسر بچه هر روز با شور و هیجان خاصی می‌دوید؟

می‌خواست در مسابقه‌ی دو شرکت کند.

پ: شما برای پیروزی در مسابقات چه می‌کنید؟

برنده‌ی راس امور.

ت: هم‌معنی کلمات «ویژه، مزه، تنها، رابه‌ترتیب از متن پیدا کن و بنویس.

خاص ← طعم ← فط





فردوسی

حکیم ابوالقاسم حسن بن علی توسی معروف به فردوسی، شاعر حماسه سرای قرن چهارم در توس خراسان زندگی می کرد. فردوسی از همان ابتدای کار

که به کسب علم و دانش می پرداخت. به خواندن داستان هم علاقه داشت و همین علاقه به داستان های کهن بود که او را به فکر به نظم در آوردن شاهکار بزرگش (شاهنامه) انداخت تا زبان فارسی را زنده نگه دارد.



محمد میرکیایی

این نویسنده ی کودک و نوجوان متولد تهران است و حدود ۱۰ سال است سردبیر و نویسنده ی (قصه ی ظهر جمعه رادیو) می باشد.

از جمله آثار او مجموعه ی سه جلدی روزی بود و روزی نبود، قصه ی ما همین بود، روز تنهایی من می باشد.

خودارزیابی

نیاز به تلاش	قابل قبول	خوب	خیلی خوب
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>

- در پیدا کردن کلمه های مناسب برای جای خالی متن ها مهارت دارم.
- با حروف داده شده کلمه ی مناسب می سازم.
- فاعل، مفعول و فعل را تشخیص می دهم.
- به سوال های مختلف پاسخ صحیح و کامل می دهم.
- راجع به موضوعات مختلف می توانم یک بند بنویسم.

